

شخصیت‌شناسی واسطه‌گران ازدواج در گستره آیات و روایات

y.eisvand@gmail.com
mt.sobhany@gmail.com

کلیه یونس عیسوند / دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی
محمدتقی سبحانی‌نیا / استادیار دانشگاه قرآن و حدیث
دریافت: ۹۸/۱۰/۲۱ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۴

چکیده

وساطت در ازدواج، مسئولیتی خطیر و مؤثر در سرنوشت شکل‌گیری خانواده‌های نوپاست. تبیین و بررسی شاخصه‌های شخصیتی افراد شایسته وساطت جهت تشخیص واسطه‌گران خوب و تمیز آنها از مدعیان دروغین در راستای تسهیل و تحکیم بنیان خانواده، رسالتی ضروری است که این پژوهش در سایه ارائه مجموعه‌ای از ملاکات دنبال می‌کند. این ویژگی‌ها که به روش توصیفی - تحلیلی و از داده‌های کتابخانه‌ای استخراج شده است، در سه سطح صفات روانی - اخلاقی، صلاحیت‌های علمی - آموزشی، و مهارت‌های تجربی دسته‌بندی شده است. با استفاده از آیات و روایات می‌توان داشتن خصوصیات چون سلامت عقلی، حسن نیت، صداقت، امانتداری، صبر و مسئولیت‌پذیری، خیرخواهی، خوشرویی، خوشگویی و منزلت اجتماعی در بخش صفات اخلاقی واسطه‌گران و آگاهی از موازین فقهی موردنیاز و دانش‌های روان‌شناسی مرتبط، به همراه اطلاع بر برخی روش‌های مشاوره‌ای، در حوزه صلاحیت‌های علمی - آموزشی وساطت، و بهره‌مندی از مهارت‌ها و تجربیات عملی را از جمله مباحث مطروحه در شخصیت‌شناسی واسطه‌های امر ازدواج برشمرد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، وساطت در ازدواج، واسطه، اخلاق وساطت، صفات واسطه‌گر.

مقدمه

چراکه تعیین و تبیین این شاخصه‌های شخصیتی در واسطه‌ها، ملاکی مهم برای پسران و دختران و خانواده‌های ایشان در تشخیص واسطه‌گر خوب از بد است؛ از طرفی هم این نشانه‌ها، طرازی برای شناخت میزان ظرفیت‌ها و توانایی‌های درونی فرد داوطلب وساطت، در جهت تحمل این وظیفه مهم به حساب می‌آید، تا هم به هر کسی به عنوان واسطه‌گر ازدواج، اعتماد نشود؛ و هم هر فردی بدون ملاحظه این ویژگی‌ها و ملاکات و صرفاً با داشتن نیت خیرخواهی، به خود اجازه ورود در این عرصه مهم را ندهد.

تحقیق در ویژگی‌ها و صفات اخلاقی لازم برای فرد واسطه‌گر امری است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. مطلب مهمی که در نهایت ابتلاء اجتماعی، متأسفانه تاکنون از پیشینه پژوهشی قابل قبولی برخوردار نبوده و مورد غفلت بسیاری از محققان عرصه خانواده و ازدواج قرار گرفته و تا این زمان - جز در مواردی نادر، آن هم به صورت پراکنده و به شکلی کاملاً سطحی و غیرکارشناسی که غالباً از حد چند سطر و صفحه کوتاه تجاوز نکرده و در لابه‌لای برخی کتب، وبلاگ و سایت‌های مرتبط مسطور است - قلم قابل عرضه‌ای آن را به صورت مجزا و مستقل به میدان پژوهش ارائه نکرده است؛ به همین دلیل می‌توان اذعان کرد که این مقاله اولین گام پژوهشی در این عرصه را شکل می‌دهد.

ویژگی‌های شخصیتی لازم در واسطه‌گران ازدواج

شخصیت واسطه‌گر حداقل دارای سه جلوه اخلاقی، علمی و عملی است؛ این ویژگی‌ها به سه بخش «صفات روانی - اخلاقی»، «صلاحیت‌های علمی - آموزشی» و «مهارت‌های عملی - تجربی» تقسیم شده و تفصیل هریک از آنها به شرح ذیل است:

۱. صفات روانی - اخلاقی

۱-۱. سلامت عقلی

سلامت روانی را می‌توان اولین و طبیعی‌ترین ویژگی واسطه‌گران ازدواج دانست؛ فردی که مسئولیت وساطت یک ازدواج را به عهده می‌گیرد باید از تعادل روحی و سلامت عقلی مناسبی برخوردار باشد، تا اولاً در جلب اعتماد عمومی موفق باشد و مورد اعتماد خانواده‌ها قرار بگیرد؛ ثانیاً قدرت تشخیص کفویت و همسانی مرد و زن را برای تشکیل یک خانواده موفق داشته باشد؛ و در نهایت اینکه بتواند

واسطه‌گران ازدواج، چه در فرهنگ نظری شریعت اسلامی و چه از منظر واقعیت خارجی اجتماع بشری، از ارکان مهم و اثرگذار در پیوند زناشویی به حساب می‌آیند. ورود واسطه‌ها به عرصه ازدواج، دارای دو قطب مثبت و منفی است که رد پای آن را در خوشبختی یا شوربختی سرنوشت خانواده‌های نوپا می‌توان دنبال کرد. وساطت اگر در مسیر صحیح خود جریان یابد، قطعاً تسهیل‌کننده روابط قبلی و مقدماتی ازدواج و تحکیم‌بخش تعاملات بعدی و درون‌خانوادگی زوج است؛ ولی اگر بدون رعایت موازین لازم دست به کار شود، بعید نیست که روند تشکیل خانواده را آستن دردسرهای بزرگ کند و درست در نقطه عکس کارکرد اصلی خودش و به عنوان رهنز طریق ازدواج مطرح شود.

با توجه به اهمیت و جایگاه حساس وساطت و واسطه‌گری، قطعاً نه به هر کسی می‌توان عنوان «واسطه‌گر در ازدواج» داد؛ و نه هر فردی جایز است خود را در مسیر وساطت برای دیگران قرار دهد. قرار گرفتن نااهلان و ناآگاهان در جایگاه واسطه‌گری از دو جهت خطرناک و مضر است: اولاً هدف واسطه‌گری که رسیدن به خانواده‌ای سالم و صالح است، مورد خدشه قرار می‌گیرد؛ چراکه نتیجه این دست از وساطت‌ها معمولاً ازدواج‌های ناموفق و کم‌پایدار است؛ ثانیاً اعتماد عمومی به واسطه‌گران شایسته از بین می‌رود و این سنت حسنه به یک روش ناکارآمد تبدیل می‌شود؛ به نحوی که دیگر کمتر کسی جرئت وساطت برای دیگران پیدا می‌کند؛ آفتی که امروزه کم و بیش شاهد آن هستیم.

اینجاست که دغدغه اصلی این پژوهش با پرسشی اساسی از اینکه «چه کسی می‌تواند واسطه‌گر ازدواج شود؟ یا واسطه‌گران ازدواج چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟» شکل می‌گیرد. دستیابی به پاسخی جامع در این زمینه، نیازمند بررسی سؤالاتی دقیق‌تر و فرعی به شرح ذیل است:

- واسطه‌گران ازدواج از نظر روانی - اخلاقی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟

- برای وساطت در ازدواج چه سطحی از صلاحیت‌های علمی - آموزشی ضروری است؟

- این آگاهی‌ها چه حوزه‌هایی را پوشش می‌دهد؟

- یک واسطه‌گر ازدواج به چه میزانی از مهارت‌های عملی -

تجربی در زمینه وساطت نیازمند است؟

بررسی صلاحیت‌های اخلاقی و دیگر ویژگی‌های لازم در فرد

واسطه‌گر به عنوان رکن اصلی وساطت در ازدواج مطرح است؛

دارای وجوب اخلاقی و از جهاتی بسیار مستحسن است: اولاً با نیت الهی ثواب‌ها و بهره‌هایی که به عامل واسطه‌گری در ازدواج وعده داده شده است، قطعی می‌شود؛ چراکه اعمال بی‌خلوص نیت ارزش الهی ندارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۱۰۳).

ثانیاً نباید از سهم و تأثیر نیت الهی در برکت یافتن امور مهمه‌ای چون ازدواج غفلت ورزید؛ چراکه طبق بیان حضرت امیر^ع فاسد بودن نیت سبب بی‌برکتی است: «عِنْدَ فَسَادِ النَّيَةِ تَرْتَفَعُ الْبِرْكَهُ» (همان، ج ۱، ص ۴۵۶).

ثالثاً اگر عمل وساطت برای جلب رضایت الهی صورت پذیرد، هیچ‌گاه حالت ندامت و پشیمانی برای عامل آن پیش نمی‌آید؛ چراکه نتیجه کارش را از ابتدا به دست خدا سپرده و از خدا می‌بیند و مزد عملش را نیز در نزد او می‌یابد. علاوه بر این، همیشه خود را واسطه فیض الهی می‌بیند، نه مبدأ و مصدر فیض؛ و به همین خاطر از هرگونه شهرت‌طلبی، خودنمایی، تجارت‌گری و... پیشگیری می‌شود.

آخرین اثر مهمی که می‌توان برای خلوص نیت در وساطت بیان کرد، اعتمادسازی و محبوبیت عمومی است که در اثر کار خالص و بی‌چشمداشت واسطه‌گر اتفاق می‌افتد؛ اثری که از لوازم ضروری مسئولیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود و واسطه‌گران ازدواج در دستیابی به اهداف خود، نیاز مبرمی به آن دارند. شخصی از رسول خدا^ص پرسید: «چه چیز باعث محبوبیت بین مردم می‌شود؟ فرمودند: «هیچ چشم‌داشتی به آنچه مردم دارند، نداشته باش تا محبوب مردم شوی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۱۰۷) و در همین زمینه امیرمؤمنان علی^ع فرمودند: «مَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» (همان، ج ۶۸، ص ۳۶۶)؛ هرکس رابطه‌اش را با خدا اصلاح کند، خداوند رابطه او را با مردم اصلاح خواهد کرد.

۱-۳. صداقت

صداقت در حقیقت سنگ‌بنای اصلی موفقیت و پایداری در روابط اجتماعی است؛ صادق بودن و صادقانه عمل کردن از ویژگی‌های لاینفک و ضروری واسطه‌گران ازدواج است که به دلیل مطابقت با فطرت سلیم بشری رهاوردی جز کسب محبوبیت و اعتماد مردمی و عزت اجتماعی ندارد؛ چنان‌که حضرت امیر^ع فرمودند: «راست‌گو با راست‌گویی خود، سه چیز را به دست می‌آورد: اعتماد، محبت و شکوه (در دل‌ها)» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۸۱۲).

این در حالی است که ثمره ایجاد ارتباط‌های دروغین، روسپاهی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۶۷)، ذلت اجتماعی (تمیمی آمدی،

در اعمال وساطت که نیاز به رایزنی و هماهنگی‌های مختلف دارد و عرصه مواجهه با مشکلات ارتباطی گوناگون است، خوش بدرخشد.

از آنجاکه وساطت در ازدواج معمولاً متضمن نقش مشاوره‌ای نیز می‌باشد؛ قدرت و سلامت عقلی از ارکان و ابزار ضروری واسطه‌گران مشاور به‌شمار می‌رود. در نگاه اهل‌بیت^ع بر مشورت‌خواهی از افراد عاقل، خیرخواه، دوران‌دیش و باتجربه تأکید شده است. امام صادق^ع نظرخواهی از افراد احمق و مریض‌القلب را مردود شمرده و فرموده‌اند: «با احمق مشورت نکن و از دروغ‌گو یاری مجو...؛ زیرا دروغ‌گو دور را نزدیک و نزدیک را در نظرت دور جلوه می‌دهد، و احمق خودش را برای تو خسته می‌کند، اما به آنچه می‌خواهی نمی‌رساند» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۶).

نقش سلامت عقل در مشاوره و استمداد از افراد به قدری پررنگ و تأثیرگذار است که امیرمؤمنان علی^ع می‌فرمایند: «با دشمن دانای خود مشورت کن و از نظر دوست نادان خود بپرهیز» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۹).

۱-۲. حُسن نیت

نیت فرد واسطه‌گر در ازدواج در حقیقت ترسیم‌کننده هدف او از اعمال وساطت است. به همین جهت، قصد و نیت افراد تنها مربوط به باطن اعمال آنها نیست؛ بلکه در ظاهر آن هم تأثیر بسزایی می‌گذارد و مطابق با نیتی که دارد و در راستای تحقق آن، کیفیت عمل فرد واسطه‌گر در روند وساطت دست‌خوش تغییر و تحول می‌گردد و در واقع صورت و شکل ظاهری افعال برمبنای نیت خیر و شری که مدنظر است پی‌ریزی می‌شود؛ حقیقتی که قرآن کریم از آن با آیه «فَلْ كُلُّكُمْ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴) (بگو: هرکس فراخور شاکله باطنی خودش عمل می‌کند)، پرده برداشته است و امام صادق^ع آن را این‌گونه معنا کرده‌اند که «یعنی علی‌نیت» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۸۵) (یعنی بر پایه نیت خود) و نیز امیرمؤمنان علی^ع به همین مطلب تصریح فرمودند که «لَاَعْمَالُ إِيمَانِ النَّيَاتِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۸)؛ کردارها، ثمره و نتیجه نیت‌ها هستند.

هرچند داشتن قصد قربت، شرط صحت انجام این وظیفه شرعی نیست؛ فلذا از سنخ تکالیف توصلی است نه تعبدی، و می‌توان آن را حتی با نیت خیر دنیوی و غیرالهی هم به جا آورد و هیچ‌گونه الزام شرعی در قصد قربت برای کار واسطه‌گری در ازدواج وجود ندارد؛ اما خالص کردن نیت از شوائب مادی و غیرالهی در امر وساطت، مانند هر کار خیر دیگری

۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۳۲)، آبروریزی (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۳۸) و نهایتاً سرزنش و ندامت و پشیمانی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۶۳). بالاتر و مهم‌تر از همه اینکه دروغ‌گو دیگر قابل اعتماد نیست و به وعده و وعیدش امید نیست؛ همچنان که به قول و قرارش اعتنایی نمی‌شود و این بی‌اعتمادی، خود به‌تنهایی بزرگ‌ترین خطر برای فعالیت واسطه‌گران در سطح جامعه است. امیرمؤمنان علیؑ در تمثیلی زیبا، فرد دروغ‌گو را از همین جهت به اموات تشبیه کرده و فرموده‌اند: «الْكَذَّابُ وَالْمَيْتُ سَوَاءٌ فَإِنَّ فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيْتِ الثَّقَةُ بِهِ، فَإِذَا لَمْ يُوْتَقْ بِكَلِمِهِ بَطَلَتْ حَيَاتُهُ» (همان، ج ۱، ص ۱۱۹)؛ دروغ‌گو و مرده هر دو یکسان‌اند؛ زیرا برتری زنده بر مرده این است که به او اعتماد می‌شود؛ پس وقتی در اثر دروغ‌گویی به سخن او اطمینان نشود، زنده بودن او بی‌فایده گشته، همانند مرده می‌شود.

این مفاسد و بسیاری از آسیب‌های دیگری که در دروغ‌گویی وجود دارد، سبب شده تا شرط اصلی هر مشاوره‌ای صداقت باشد و پرهیز از مشاوران دروغ‌گو سرلوحه آداب مشورت قرار گیرد. ازدواج نیز که از عرصه‌های مهم مشاوره‌ای است انگیزه مضاعفی برای واسطه‌گران آن ایجاد می‌کند تا توقع به‌جای مراجعین را در این مقوله صادقانه برآورده سازند. پیامبر اکرمؐ صداقت را از وظایف مشاوران برشمرده و ترک آن را موجب عقوبت الهی دانسته‌اند: «هرکس برادر مؤمنش با او مشورت کند و او صادقانه راهنمایی‌اش نکند، خداوند عقلش را از او بگیرد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۰۸).

در پایان باید اشاره کرد که صداقت تنها در حوزه گفتار خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل عملکرد واسطه‌گران نیز می‌گردد؛ آنجا که باید به وعده‌ای عمل کرد یا بر قول و قراری پایدار بود، همه از مصادیق صداقت عملی است که به تعبیر امیرمؤمنان علیؑ از مؤثرترین و بهترین نمونه‌های راستی و درستی می‌باشد: «أفضل الصدق الوفاء بالعقود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۹۴)؛ بالاترین صداقت وفای به پیمان‌هاست.

۱-۴. امانت‌داری

ویژگی امین بودن در اجرای رسالت واسطه‌گری امری بسیار حیاتی و موردنیاز جدی متصدیان این مسئولیت است. واسطه‌گر ازدواج با متصف بودن به این صفت عالی اخلاقی در جلب اعتماد عمومی و کسب محبوبیت اجتماعی موفق‌تر از هر کسی عمل می‌کند؛ چراکه مردم با آرامش کامل و اطمینان خاطر، به دور از هرگونه نگرانی از رفتارهای

خائنانه، در مورد ازدواج خود یا هریک از اعضای خانواده، به واسطه امین مراجعه کرده و به راحتی و بدون لکنت زبان با او صحبت می‌کنند و اسرار خود را انتقال می‌دهند و از وی در این زمینه درخواست کمک می‌کنند.

امانت‌داری واسطه‌گران اهمیت و ضرورت خود را بیشتر از همه در مراجعینی نشان می‌دهد که در امر ازدواج خود با مشکل خاصی مواجه‌اند مانند افرادی که قبلاً سوءپیشینه‌ای چون سابقه طلاق، اعتیاد، جرائم و محکومیت قضائی و... داشته‌اند؛ یا مردان و زنانی که دچار بیماری‌های حاد روحی - روانی، امراض جسمی خاص یا نقصان ظاهری در اعضا و جوارح‌اند و یا حتی اشخاصی که مبتلا به فقر و تنگی معیشت، اختلافات شدید خانوادگی، درگیری‌های آبرویی هستند. اینجاست که فصل مشبعی از احادیث امانت‌داری در نهی از مراجعه به افراد خائن و غیرمطمئن و عواقب ناگوار آن وارد شده است؛ امام باقرؑ نفس رجوع به خیانتکاران را مورد عقاب و سخط الهی می‌دانند: «اگر کسی دروغی از بنده‌ای از بندگان خدا بشنود و خیانتی از او ببیند و با این حال، او را بر امانت خدا، امین قرار دهد، سزاوار است که خداوند عزوجل او را درباره این امانت [که به خائن سپرده] گرفتار سازد و عوض و پاداشی هم [در برابر آن امانت از دست رفته] به وی ندهد» (ورامین ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۰۲).

نکته قابل توجه آنکه پذیرفتن این وظیفه اخلاقی بدون حیا و صلاحیت‌های لازم امانت‌داری، خود خیانتی بزرگ در حق افرادی است که به او اعتماد کرده‌اند؛ کسانی که نمی‌توانند ملتزم به شرایط وساطت باشند و در حفظ و نگهداری اطلاعات و اسرار مردم، امانت‌داری کنند، هرگز نباید مسئولیت وساطت در ازدواج را بپذیرند و این جایگاه را غاصبانه به سمت زوال و نابودی ببرند؛ قبول نکردن امانتی که قادر به ادای حق آن نبوده و نیز واگذارن امانتی که در اثنای کار از حفظ آن عاجز و یا خوف نابودی آن می‌رود، یکی از فروع مؤکد فقه اسلامی در باب امانت‌داری است (اصولی و بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۶). یکی از یاران پیامبرؐ به ایشان عرض کرد: «آیا مسئولیتی به من واگذار نمی‌کنی؟ پیامبر دست بر شانه او زد و فرمود: تو ضعیف هستی و این پُست‌ها امانت است و روز قیامت مایه رسوایی و پشیمانی است، مگر کسی که آن را آن‌گونه که باید، به عهده گیرد و وظیفه خود را درباره‌اش ادا کند» (مسلم‌بن حجاج نیشابوری، ۱۳۲۹ق، ج ۶، ص ۶).

انواع امانت‌ها و امانت‌داری‌هایی که در امر وساطت ازدواج مطرح می‌باشد به شرح ذیل است:

الف. امین در رعایت کفویت برای ازدواج

کوتاهی نکردن در شناسایی گزینه‌های همسان و پرهیز از معرفی اشخاص غیرهمگن از وظایف واسطه‌گران ازدواج است که ریشه در خصیصه امین بودن آنان دارد. این نوع از امانت‌داری بیش از همه خود را در وساطت‌هایی نشان می‌دهد که شخص داوطلب ازدواج، در مقام تبیین ملاک‌ها و شرایط خاص خود برای تعیین فرد موردنظرش برآمده و از واسطه‌گر در خواست یافتن موردی با همان موقعیت و شرایط ویژه را دارد؛ در این‌گونه از وساطت‌ها متصدیان امر باید رعایت امانت را بکنند و از معرفی دیگر افراد غیرهم‌کفو و نامربوط جنأ خود داری کنند.

هرگونه اظهار یا کنمان نابجا در معرفی گزینه‌های ازدواجی به یکدیگر و نیز کوتاهی و بی‌دقتی در انتخاب زوج اصلح توسط واسطه‌گران ازدواج، نوعی خیانت در امر وساطت بوده و از موارد تدلیس، غش، فریب و مکر در واسطه‌گری به‌شمار می‌آید؛ در برخی روایات خیانت در مشورت، از نمونه‌های دغل‌کاری و نیرنگ با مسلمانان ذکر شده است؛ رسول خدا ﷺ نسبت به فرد غش‌کننده در مشاوره ابراز برائت کرده‌اند: «من غشّ المسلمین فی مشوره فقد برئت منه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۹۹)؛ آنکه در مشورت کردن نسبت به مسلمانان بدخواهی و خیانت کند من از او بیزارم. هم‌ایشان در بیان دیگری فرمودند: «لَیْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ صَرَّهُ أَوْ مَآكْرَةً» (همان، ج ۷۲، ص ۲۸۵)؛ از ما نیست کسی که دغلی کند با مسلمانی، یا زیانش زند یا نیرنگش بازد.

لازم به ذکر است که امین بودن واسطه‌ها همیشه در انتخاب زوج مناسب نیست، بلکه گاه با تشخیص عدم کفویت و نگاه به مشکلات پیش‌روی آن و اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق در مورد وضعیت زوج تجلی می‌یابد. امانت‌داری در وساطت حتی ممکن است واسطه‌گر را به مرز پرهیز دادن از وصلت و امر به جدایی و قطع روابط بکشاند.

ب. کتمان اسرار

رازداری از شُب مهم امانت‌داری است. از لوازم واسطه‌گری در ازدواج، معاشرت و ارتباط با خواهان ازدواج است؛ چراکه یافتن زوج‌های مناسب و هم‌کفو، نیازمند دستیابی به شناخت دقیق و متقن از دو طرف ازدواج و دریافت اطلاعات کافی از زندگی آنهاست؛ اطلاعاتی که گاه از سنخ خصوصی‌ترین مسائل زندگی شخصی یا خانوادگی ایشان است و تنها در مقام ضرورت باید به واسطه‌های کتوم و

سرنگهدار سپرده شود تا از خیانت در امان بماند؛ پیامبر اکرم ﷺ در سفارشی به جناب/بوذر، امانت‌داری و رازداری را اساس معاشرت و مجالست برشمردند: «یا أبأذر ألمجالس بالأمانة و افشاء سرّ أخیك خیانة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۸۹)؛ ای ابوذر گفت‌وگو‌هایی که در مجالست‌ها و معاشرت‌های خصوصی می‌شود امانت است و افشای سرّ برادرت خیانت محسوب می‌شود.

همچنین شأنیت مشاوره‌ای که در وساطت برای ازدواج نهفته است، امین بودن و رازداری واسطه‌های ازدواج را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. امام صادق ﷺ رازداری را از خط قرمزهای غیرقابل تخطی مشاوره دانسته و فرمودند: «مشورت جز با رعایت مرزهای چهارگانه آن صحیح نیست... و چهارم اینکه راز خود را به او بگویی و او به اندازه خودت از آن راز آگاه باشد، اما آن را بیوشاند و به کسی نگوید» (طبرسی، ۱۳۹۲ق، ج ۲، ص ۹۸).

واسطه‌گران در ازدواج باید در روش‌های کسب اطلاعات از افراد نیز بر اصل امانت‌داری و حفظ سرّ ملتزم باشند و هیچ‌گاه بدون اذن و اجازه قبلی و از سر کنجکاوی‌های بی‌مورد و تجسس‌های اضافی و غیرضروری به برخی از زوایای پنهان زندگی افراد سرک نکشند؛ اقدام به استراق سمع و ضبط پنهانی صدای افراد، تصویربرداری‌های پنهانی، گرفتن آدرس‌ها و شماره تماس‌های خاص و نظیر اینها، همه از موارد غیراخلاقی و گاه خائنانه در کار وساطت تلقی می‌شود که مشمول آیه «... وَلَا تَجَسَّسُوا...» (حجرات: ۱۲) شده و باید ترک گردد.

ج. امین در انتقال اطلاعات به دیگران

از دیگر مظاهر امانت‌داری در امر وساطت ازدواج، امین بودن واسطه‌گران در ارائه و انتقال اطلاعاتی است که اشخاص در مورد خود یا دیگران در اختیار واسطه‌های ازدواج می‌گذارند و یا شروط، خواسته‌ها و انتظاراتی که خواهان ازدواج در راستای مطالبات خود برای واسطه‌گران مطرح می‌کنند؛ در این مقام، امانت‌داری آن‌گاه محقق می‌شود که اولاً اطلاعات به‌دست‌آمده و شرایط بیان‌شده از دو طرف، بدون هیچ‌گونه تحریف و آنچه‌که هست نقل گردد؛ ثانیاً تنها به افرادی که صلاحیت دارند، آن هم به حدّ ضرورت و نیاز اکتفا شود و نه بیشتر.

واسطه‌گران ازدواج همان‌گونه که محرم اسرار مردمند، باید امینان در انتقال آن نیز باشند، تا اطلاعات خصوصی زندگی افراد را در اختیار هرکسی قرار ندهند و نیز حتی با تشخیص اهلیت برخی

زندگی مشترک چندین ساله را متزلزل کند، تا چه رسد به جوانه زدن خانواده‌ای نوپا. اینجاست که سرنوشت ساز بودن نقش امانتداری واسطه‌گران ازدواج در مراحل بعد از وساطت اهمیت می‌یابد.

نیز اگر عملیات وساطت به وصل زوج نینجامد و ثمرهای ندهد یا اینکه بعد از تحقق ازدواج، روابط زوج دچار چالش یا مشکلی گردد و وخیم‌تر اینکه حتی منجر به جدایی و طلاق شود؛ باز هم واسطه‌گران نباید از صراط مستقیم امانت منحرف شوند؛ مخصوصاً در مواردی که وساطت با مشکلات و احیاناً سوءتفاهمات معاشرتی مواجه می‌گردد و یا آنجا که خانواده‌ها، مشکلات پسینی ازدواج را از چشم واسطه‌ها می‌بینند. این موارد و نظایر دیگر، هرگز نباید امانتداری واسطه‌ها را تضعیف و خدشه‌دار کند و یا خدای ناکرده موجب سوءاستفاده از اطلاعات سرّی افراد شود و اسبابی برای انتقام‌گیری و آبروریزی و... گردد. این روایت بسیار مهم از امام صادق علیه السلام همیشه باید در مقابل چشم شخص واسطه‌گر باشد که فرمود: «آن کس که علی علیه السلام را با شمشیر زد و شهید کرد، هرگاه امانتی نزد من بگذارد یا نصیحتی بخواهد یا مشورتی کند و من از او بپذیرم، حق امانت را به‌جا می‌آورم» (ورامین ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۰).

ه. امین در نگهداری و استفاده از سرمایه‌ها و اموال مردم
این نوع امانت‌داری بیشتر در وساطت‌های مالی مطرح است که با اموال زوج یا خانواده‌ها سروکار دارند و درصدد رفع موانع اقتصادی ازدواج و حل و فصل مشکلات مالی آن گام برمی‌دارند. این‌گونه وساطت‌ها که غالباً پس از توافق‌های هم‌زیستی در بین زوج و عزم بر شروع زندگی مشترک اتفاق می‌افتد، بیشتر صبغه خیرین اقتصادی را برای عروس و داماد دارند؛ این افراد باید با رعایت سه ضلع اساسی «امانت، عدالت، مصلحت» در امور اقتصادی زوج مداخله کنند و گرنه ضربه‌های جبران‌ناپذیری در ابتدای زندگی و تشکیل خانواده به اموال، سرمایه‌ها و روحیات ایشان وارد می‌آورند؛ آسیب‌هایی که گاه موجب هدم حیثیت دنیوی و وجهه دینی آنها می‌شود. امام صادق علیه السلام در مورد پیامد چنین عملکردهایی هشدار می‌دهند: «از عوامل پایداری و حیات مسلمانان و اسلام این است که اموال و امور اقتصادی مردم نزد کسانی باشد که در مورد آن حق را می‌شناسند و عملکرد پسندیده‌ای را اعمال می‌کنند و از اسباب نابودی اسلام و هدم مسلمانان این است که سرمایه‌های اقتصادی به دست کسانی

افراد جهت رازگویی، میزان ظرفیت آنها را برای حجم مطالبی که باید در اختیار او قرار دهند را مراعات کنند. افشای سرّ و ارائه اطلاعات خصوصی به ناهلان و نامحرمان، به‌منزله خیانتی بزرگ است که جبران آن تقریباً غیرممکن می‌نماید. در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «هرکس سرّی را که به او سپرده شده، فاش کند خیانت کرده است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۰۸). ایشان در بیان دیگری از در اختیار قرار دادن مطالب خصوصی، به افراد ناهل نهی فرمودند و عواقب آن را متذکر شدند: «کسی که سرّ خویش را نزد افراد غیرمطمئن بازگو کند اسرار خود را ضایع و تباه کرده است» (همان، ج ۱، ص ۶۰۴).

د. امین و رازدار بعد از انجام وساطت

اهمیت امانت‌داری در وساطت و رجوع به واسطه‌گران امین برای ازدواج، تنها در مسیر انجام وساطت نیست، بلکه با همان حدّت و شدّت به عنوان نیازی ضروری برای مراحل بعد از وساطت مطرح است. داوطلبان ازدواج وقتی می‌توانند با خیالی آسوده و راحت به واسطه‌های ازدواج مراجعه کنند که برای همیشه آنها را امین بدانند و نگران افشای اسرار خود بعد از عملیات وساطت نباشند. امانت‌داری‌های مقطعی هرگز اطمینان‌بخش و اعتمادآور نیست و موجب توقف حرکت خیر وساطت در ازدواج می‌گردد. به همین جهت در روایات، حکم امانت‌داری همیشه به‌طور مطلق و بدون ترخیص و استثنا در مورد فرد یا زمان یا مکان خاصی باید اجرا گردد و از امانت‌داری‌های مقطعی و زمان‌مند پرهیز داده شده است؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «سه چیز است که خدای عزوجل در آنها برای احدی رخصت نداده است: ادای امانت به خوش‌کردار و بدکردار، وفای به عهد و پیمان برای خوش‌کردار و بدکردار و احسان به پدر و مادر چه خوش‌کردار باشند و چه بدکردار» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۲).

امین بودن شرطی لازم در جریان وساطت است؛ حال چه این وساطت به سرانجام وصل زوج منتهی گردد و یا اینکه ظاهراً ابتر و بی‌نتیجه بماند. اگر وساطت منتج به وصل باشد و ازدواج صورت پذیرد باید در مورد اطلاعات زوج، کتوم و امانت‌دار بود؛ چراکه گاه با افشای سرّی از یکی از مرد یا زن به دیگری، اسباب اختلاف و دلزدگی پیش آمده و یا حتی وسوسه فریب و پنهان‌کاری در ازدواج، در نفس مرد و زن تقویت می‌گردد؛ که اینها هر کدام به‌تنهایی می‌تواند ارکان یک

بیافتد که در مورد آنها حقی را نمی‌شناسند و رفتار پسندیده‌ای را در پیش نمی‌گیرند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۲۵).

۱-۵. صبر و پایداری

مسیر رسیدن به آرزوهای بلند و اهداف گران‌سنگ همیشه مقرون به مصائب و مشکلاتی است که بدون صبر و پایداری طی نخواهد شد. وجود ارتباطات کاری، معاشرت با شخصیت‌ها و موقعیت‌های گوناگون از مردان و زنان، شنیدن سخنان درشت و نازک آنها، قرار گرفتن در معرض قضاوت‌ها، اتهامات و سوءظن‌های نابجا، تجربه موفقیت یا شکست پی در پی و... همه و همه معمولاً از لوازم همیشگی کار وساطت در ازدواج است که واسطه‌گران بدون وجود صفت بردباری و صبر از عهده ایفای این نقش مهم برنمی‌آیند و در مواجهه با کمترین چالش، شانه از بار مسئولیت خالی می‌کنند.

واسطه‌های ازدواج با بردباری هرچه تمام‌تر باید برای سرگرفتن امر خیر ازدواج وقت کافی بگذارند و از طولانی‌شدن به ثمر رسیدن آن ملول نگردند. به دست آوردن گزینه مناسب، تحقیق در تحصیل کفویت، رایزنی جهت معرفی و تلاش در تحقق یک ازدواج مطلوب، بیشتر نیازمند صبری فعال و مجدانه است تا صبری منفعلانه و ناامیدانه. امیرمؤمنان علیؑ مسئله گذر زمان را مانعی برای شخص صبور ندانسته و فرمودند: «لَا يَدُمُ الصَّبْرُ الطَّوْفَرَّ وَ إِن طَالَ بِهِ الزَّمَانُ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۱۵۳): شخص صبور پیروزی را از دست نمی‌دهد و عاقبت به پیروزی می‌رسد، اگرچه زمانی طولانی بر او بگذرد.

مدرسائی این صفت عالی اخلاقی تنها منحصر به سختی‌های حین وساطت نیست؛ صبر و حلم واسطه‌گران عامل خوبی برای مقابله با پیشامدهای پسینی ناگوار بعد از وساطت است. برخوردهای نامعقول و غیرمنطقی برخی خانواده‌ها و صحبت‌های ناروا در مورد واسطه‌گران ازدواج تنها با بالا بودن ظرفیت صبر آنان قابل تحمل است؛ صبری که جلوی هرگونه عکس‌العمل تشنج‌زا و فتنه‌ساز را می‌گیرد و ضامن خوبی برای کتمان اسرار و عدم افشای مسائل خصوصی مراجعین ازدواجی می‌باشد. در نگاه امیرمؤمنان علیؑ بهترین روش مقابله با این‌گونه موارد صبر و بردباری است: «مَنْ أَعْلَظَكَ بِقُبْحِ السَّفْهِ فِعْطُهُ بِحُسْنِ الْجَلْمِ عَنَّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۲۶): هرکس با زشتی سبک‌سری تو را خشمگین کرد تو با زیبایی بردباری او را به خشم آور.

انسان‌های صبور اهل سستی و کم‌کاری جسمی و یا یأس و افسردگی روحی نیستند. افرادی که به جای تأمل و تفکر در کشف

راه‌حل‌های مفید، دائماً در حال نالیدن از موانع و مشکلات‌اند و حصول نتیجه را در کمترین زمان‌ها و به یک‌باره، آن هم در سایه معجزات غیبی و غیرعادی توقع دارند، نمی‌توانند مشاوران خوبی برای وساطت در ازدواج باشند؛ در حدیثی رسول خداﷺ انسان‌های صبور را با توجه به همین ملاکات معرفی کردند: «صبور سه نشانه دارد: اول آنکه سستی نمی‌کند، دوم آنکه افسرده و دل‌تنگ نمی‌شود و سوم آنکه از پروردگار خود شکوه نمی‌کند؛ زیرا اگر سستی کند، حق را ضایع کرده و اگر افسرده و دل‌تنگ باشد شکر نمی‌گذارد و اگر از پروردگارش شکوه کند او را معصیت کرده است» (صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۹۸).

۱-۶. مسئولیت‌پذیری

قبول وظیفه وساطت در ازدواج مانند پذیرش هر مسئولیت دیگری در عرصه‌های اجتماعی، نیازمند داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری است؛ این خصیصه نه‌تنها عامل خروج آدمی از بی‌تفاوتی در قبال مشکلات هم‌نوعان می‌باشد؛ بلکه او را به وادی التزام به تعهدات و قول و قرارها می‌کشاند و سلامت اجرایی وظایف محوله را ضمانت می‌کند. ویژگی‌ای که تأثیر بسزایی در پایداری روابط اجتماعی واسطه‌گران دارد و حس اعتماد به آنها را در جامعه رشد می‌دهد.

واسطه‌گر مسئولیت‌پذیر، از قبول وساطت‌هایی که در توان او نیست، پرهیز کرده و در پذیرش این وظیفه جوانب مسئله را به خوبی در نظر می‌گیرد و لذا تن به هر وساطتی، با هر شرایطی نمی‌دهد. در موارد قابل قبول هم‌نه‌تنها خود را موظف به پذیرش این تکلیف الهی می‌داند بلکه برای انجام هرچه بهتر آن، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند و اتقان در امور را به توصیه پیامبر اسلامﷺ سرلوحه امور خویش قرار می‌دهد: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَمَلًا صَالِحًا فَأَتْقَنَهُ» (عریضی، ۱۳۶۸، ص ۹۳).

افرادی که در وادی وساطت برای ازدواج وارد می‌شوند باید این مسئولیت‌خاطر و سیل اعتماد مردمی را تحفه‌ای الهی بدانند و آنچنان حق این جایگاه را به‌جای آورند که فردای قیامت بتوانند از عهده جواب سربلند برآیند؛ نه اینکه آن را فرصتی برای ارضاء غریزه ریاست‌طلبی، شهرت‌خواهی، خودنمایی و اغراض مادی قرار دهند. هشدار امیرمؤمنانؑ به استاندار وقت آذربایجان در سوءاستفاده نکردن از مسئولیت خود، اشاره به همین نکته دارد: «فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی است در گردن تو» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵).

وساطت در ازدواج اگر با حس مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری همراه گردد، هیچ‌گاه مسیر وساطت به بن‌بست نمی‌رسد و اندوه و

پشیمانی را در پی نمی‌آورد؛ علاوه بر اینکه واسطه‌گر مسئولیت‌پذیر، همیشه خود را در قبال خداوند متعال و افراد جامعه، مخصوصاً مراجعین ازدواجی پاسخگو دیده و به همین سبب اعمال خود را به بهترین وجه ممکن انجام می‌دهد؛ پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَائِلُ كُلِّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرَعَاهُ؛ أَحْفَظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَ؟ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنِ أَهْلِ بَيْتِهِ» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۲۸۱)؛ خداوند متعال از هر سرپرستی نسبت به آنچه سرپرستی‌اش را به او واگذار کرده است بازخواست می‌کند؛ خواه از آن به خوبی سرپرستی (نگهداری) کرده باشد، یا تباهش کرده باشد. حتی از مرد، درباره خانواده‌اش بازخواست می‌شود.

نبود وجدان‌کاری در واسطه‌گران ازدواج، آسیب‌های فراوانی به دنبال دارد که از جمله آنها کم‌کاری، بدکاری، و در مواردی حتی خراب‌کاری در طریق وساطت را می‌توان نام برد. در یک جمله می‌توان بی‌تفاوتی در برابر مشکلات پیش‌روی ازدواج و شانه خالی کردن از قبول زحمت این تکلیف الهی - اجتماعی را که خداوند با خطاب «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...» (نور: ۳) مؤمنان را به تحمل آن واداشته است، از تبعات عدم مسئولیت‌پذیری واسطان ازدواج دانست. این قبیل موارد همه از مصادیق غش و کم‌فروشی در کار و مسئولیت محسوب می‌شود و سخط الهی را در دنیا و آخرت به دنبال دارد.

۱-۷. دلسوزی و خیرخواهی

پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی بدون نیت‌های خیرخواهانه و رفتارهای دلسوزانه همیشه برای جامعه مضر و آسیب‌زا بوده و افراد را به ورطه خیانت‌های پیدا و پنهانی می‌کشاند که عواقب ناگوار دنیوی و اخروی آن کمتر قابل ترمیم و جبران است. از لوازم حتمیه کار واسطه‌گری نیز داشتن نیت خیرخواهی و دلسوزی در کیفیت عملکرد است. پیامبر خدا ﷺ دلسوزانه عمل نکردن در ایفای نقش‌های اجتماعی را منتهی به سعادت نمی‌دانند: «أَيُّمَا أَمْرٍ وُلِيَ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَحْطُ لَهُمْ بِمَا يَحْتَاطُ بِهِ نَفْسَهُ لَمْ يَرَحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۲۰)؛ هرکس بخشی از کار مسلمانان را بر عهده گیرد و در کار آنها مانند کار خود دلسوزی نکند، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

ویژگی خیرخواهی در واسطه‌گران ازدواج، زمینه را برای اعتماد به حسن نیت آنها فراهم می‌آورد؛ چراکه فقدان این صفت اخلاقی،

توقع کار خیر از افراد واسطه را منتفی می‌سازد و احتمال هرگونه خیانت و فریبکاری را بالا می‌برد. به همین جهت واژه نصح و خیرخواهی در مباحث اخلاقی درست نقطه مقابل غش، دغل‌بازی، کینه و حسد قرار داشته و عبارت است از دوست داشتن و خواستن دوام و بقاء خیر و نعمت خدا برای دیگران و کراهت داشتن از رسیدن بدی و شر به آنها (نراقی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۱۹). پرهیز از هرگونه غل و غش و فریب در اعمال خیرخواهانه، باید سرلوحه کار متصدیان امر وساطت باشد، چنان‌که از امیرمؤمنان علیؑ نیز نقل شده است: «مَنْ اسْتَنْصَحَكَ فَلَا تَنْصَحْهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۸۲)؛ اگر کسی از تو نصیحت و راهنمایی خواست تو برحذر باش که (با سخنان غیرواقعی) او را فریب ندهی.

واسطه‌گر ازدواج اگر بخواهد حق خیرخواهی در مورد داوطلبان ازدواج را در جریان وساطت به‌جای آورد، باید آن‌گونه عمل کند که برای خود یا یکی از فرزندان و منتسبان به خود عمل می‌کند و در بررسی صلاحیت‌ها و ارائه راه‌حل‌ها و رفع موانع احتمالی از هیچ‌گونه کوششی دریغ نرزد. امام باقرؑ در روایتی به همین مسئله تصریح فرمودند: «لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنْصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۲۹۶)؛ هر یک از شما همان‌گونه که خیرخواه خود هستید باید خیرخواه دیگر برادران خود نیز باشید.

تصور اشتباه از دلسوزی و خیرخواهی در برخی واسطه‌گران ازدواج موجب شده که برای تحقق این امر خیر به هر اقدامی، ولو غیرشرعی و اخلاقی مانند دروغ و خدعه و کتمان و حتی سحر و جادو و... متوسل شده و با هر ترفندی ممکن و به هر قیمتی که شده، بدون در نظر گرفتن سایر شرایط وساطت، دست به کار وساطت شوند. این در حالی است که خیرخواه صادق و دلسوز واقعی با واقع‌نگری خود از بیان نقاط ضعف و تصریح به ایرادات و اشکالات کار دریغ نمی‌کند؛ بلکه گاه با در نظر گرفتن مصالح افراد، از سر خیرخواهی دستور به قطع رابطه و توقف ادامه روند ازدواج می‌دهد؛ این نوع برخورد، خود می‌تواند ملاکی برای تمییز و تشخیص افراد خیرخواه و دلسوز از مکاران و بدخواهان باشد. لذا در حدیثی از امیرمؤمنان علیؑ می‌خوانیم: «مَنْ بَصَّرَكَ غَيِّبَكَ فَقَدْ نَصَحَكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۷۹)؛ کسی که عیب تو را به خودت نشان بدهد مسلماً او دلسوز و خیرخواه تو است.

روشن است که بیان برخی حقایق تلخ در مسیر وساطت‌های خیرخواهانه در امر ازدواج، برای گوینده و شنونده آن سخت و دشوار

است که حتی در وساطت‌های مالی و معاملاتی جزو نقاط قوت یا ضعف واسطه‌گر محسوب می‌شود و تأثیر روشنی در موفقیت یا شکست او دارد. از توصیه‌های مؤکد قرآن کریم در مورد کسانی که با عموم مردم سروکار دارند، استفاده از سخنان نیک و سنجیده است: «... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (بقره: ۸۳) و بهره‌گیری از کلام ساده، شیرین، روان، راحت و غیرمعلق: «... فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا» (اسراء: ۲۸). امام باقر^ع در تفسیر آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» فرمودند: «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَبْغِضُ اللِّعَانَ السَّبَّابَ الطَّغْنَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ وَ يَحِبُّ الْحَيَّ الْعَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۵۴): بهترین سخنی که دوست دارید مردم به شما بگویند، به آنها بگویید؛ چراکه خداوند، لعنت‌کننده، دشنام‌دهنده، زخم‌زبان زنده بر مؤمنان، زشت‌گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن می‌دارد و باحیا و بردبار و عقیف پارسا را دوست دارد.

خوب سخن گفتن واسطه‌گر، هنری است که زبان رمزآلود مخاطب را باز می‌کند و واسطه‌گر را به اطلاعات موردنظرش می‌رساند و این خود از گرانبمایه‌ترین نتایج خوش‌گویی است؛ امیرمؤمنان علی^ع فرمودند: «اجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵۸): زیبا خطاب کنید تا جواب زیبا بشنویید.

پرهیز از عبارات نامناسب که موجب برداشت‌های نادرست و پدید آمدن سوءتفاهمات مشکل‌ساز است، از جمله ویژگی‌های یک واسطه‌گر خوش‌بین است. قرآن در مورد شیوه بیان اصحاب پیامبر حساسیت خاصی به خرج داده و گاه استفاده از برخی کلمات را نهی می‌فرماید: «لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَ قُولُوا أَنْظَرْنَا وَ لِكَاظِمِينَ عَذَابُ الْأَلِيمِ» (بقره: ۱۰۴): نگویند: «راعنا» و بگویند: «انظرننا» و [این توصیه را] بشنویید؛ و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است؛ «راعنا» در زبان عرب به معنای «مراعات ما را بکن» بود، ولی در زبان یهود به معنای استحمار به کار می‌رفت. خدای تعالی فرمود: از این عبارت که دیگران برداشت نامناسب دارند، استفاده نکنید؛ به جای آن عبارت متعارف و صحیحی را بیان کنید که ذو وجهین نیست و یک معنا بیشتر از آن اراده نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷۳-۳۷۴).

استهجان در سخن و بددهانی یا بدزبانی از مواردی است که تعاملات اجتماعی را با چالش‌ها و آسیب‌های گوناگونی مواجه می‌کند، لذا مورد نهی ائمه اطهار^ع بوده است؛ حضرت امیر^ع در بیان آثار بدزبانی فرمودند: «إِيَّاكَ وَ مَا يَسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحِسُّ عَلَيْكَ

است؛ اما التزام به اصل خیرخواهی مهم‌تر و سودمندتر از شیرینی کتمانی است که بعدها از آن تلقی خیانت و استشمام فریب و خدعه می‌شود. امیرمؤمنان^ع با اذعان به برخی تلخی‌های موجود در اقدامات خیرخواهانه فرمودند: «مَرَارَةُ النَّصْحِ أَنْفَعُ مِنْ خَلَاوَةِ الْعِشِّ» (همان، ج ۱، ص ۷۰۷)؛ تلخی خیرخواهی صادقانه از شیرینی فریبکاری و نیرنگ سودمندتر است. امام باقر^ع کتمان حقایق ناگوار را توسط افراد آگاه و مسئول، منافی با اعمال خیرخواهانه و از مصادیق خیانتکاری بیان داشته‌اند: «عالمان اگر نصیحت را پنهان دارند، خود خائند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۵۴).

۱-۸. خوش‌رویی و خوش‌گویی

«خوش‌رویی» و «خوش‌گویی» دو شاخه مهم درخت سبزی خوش‌خویی در اخلاق می‌باشند؛ و از بیان امام صادق^ع در زمینه عناصر تشکیل‌دهنده حسن خلق می‌توان نتیجه گرفت که این دو صفت تقریباً دو سوم خوش‌اخلاقی را تشکیل می‌دهند؛ چنان‌که در پاسخ سؤالی که از معنای خوش‌اخلاقی شده بود، فرمودند: «ترمخو و مهربان باشی، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۱۰۳).

با توجه به همین ثمرات و برکات الهی - اجتماعی که در خوش‌رویی و خوش‌گویی نهفته است، واسطه‌گران ازدواج نیز باید خود را به این هنر بیاریند و در راستای تحقق اهداف خود از آن بهره‌مند شوند. گشاده‌رویی، تبسم و لبخند و پرهیز از ترش‌رویی و عبوسی چهره و هرگونه ارتباطات غیرکلامی که امروزه در مباحث روان‌شناسی از آن به «زبان بدن» (Body Language) یاد می‌شود، نقطه آغازگر هر تلاقی اجتماعی است و نیاز ضروری هر واسطه‌گری در امر وساطت؛ کیفیت مواجهه با چهره افراد، قبل از پرداختن به هرگونه گفتار یا رفتار ارتباطی، تعیین‌کننده عکس‌العمل‌های بعدی و عامل کشف رازهای درونی اوست. امیرمؤمنان علی^ع فرمودند: «بهترین وسیله‌ای که مردم با آن دل‌های دوستان خود را به دست می‌آورند و کینه‌ها را از دل‌های دشمنان‌شان می‌زدایند، خوشرویی هنگام برخورد با آنان است و جویای احوال آنان شدن در گیایشان و گشاده‌رویی با آنان در حضورشان» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۵۷).

همچنین استفاده از کلمات دلپذیر و متین و مؤدبانه و دوری از واژه‌های زشت و زننده و سخیف، ابزار خوبی برای ارتباط‌گیری مؤثر در فضای وساطت است. اهمیت نقش زبان در امر وساطت به قدری

بلکه ناکارآمدتر از آن شده و ضرورتی برای وجود و ابقای آن احساس نمی‌شود؛ این همه، نتیجهٔ پایین آمدن اعتماد عمومی به اوست.

وجهات اجتماعی در افرادی نظیر عالمان دین، بزرگان و ریش سفیدان، اساتید و... نه تنها کار را برای واسطه‌گران ازدواج آسان‌تر می‌کند بلکه از جهتی قدرت تشخیص داوطلبان ازدواج را برای دستیابی به یک واسطه‌گر مطلوب بالا برده و خانواده‌ها را از تحقیق و تفحص‌های غیر ضروری و وقت‌گیر در وصول به واسطه‌ها راحت می‌کند؛ دغدغه‌ای که بسیاری از جوانان طالب ازدواج را به خود مشغول داشته است. این خصیصه در وجود فرد واسطه‌گر به منزله پشتیبانی در پیشبرد اهداف او و برای خانواده‌ها به نوعی کمک برای دسترسی آسان به واسطه‌هاست؛ چنان‌که در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «الجاهُ أخذُ الرِّفْدین» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۰۶)؛ مقام و موقعیت، خود، یک پشتیبان و کمک است.

شاخص وجهات و منزلت اجتماعی، ما را از سپردن مسئولیت وساطت به افرادی چون کودکان و یا نوجوانان و جوانان مجرد و بی‌تجربه که می‌توانند آسیبی برای امر وساطت باشند، باز می‌دارد. این‌گونه اشخاص علاوه بر عدم توانایی در انجام بسیاری از وظایف واسطه‌گری، معمولاً فاقد صلاحیت‌ها و ویژگی‌های مطلوب این امر نیز هستند، که یکی از مهم‌ترین آنها همین مقبولیت و محبوبیت لازم و داشتن پایگاه و منزلت اجتماعی مناسب است؛ درحالی‌که پیشگامی انسان‌های وجیه و صاحب مقام و منزلت برای وساطت در ازدواج جوانان در بیان امام صادق ﷺ نمونه‌ای از زکات جاه و مقام قلمداد شده و استفاده از آن را در واسطه شدن برای رفع نیاز مردم، موجب ثبات این نعمت الهی دانسته‌اند: «...و الشَّفَاعَةُ زَكَاةُ الْجَاهِ... و ما أَدَيْتَ زَكَاتَهُ فَهُوَ مَأْمُونُ السُّلْبِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۸۱)؛ وساطت کردن، زکات جاه و مقام... و هر چیزی که زکاتش را بدهی، از خطر نابودی در امان است.

۲. صلاحیت‌های علمی - آموزشی

از ویژگی‌های مهمی که برای هر واسطه‌گر ازدواج در امر وساطت ضروری است، مجهز بودن به برخی دانش‌های کارآمد و آموزش‌های مورد نیاز است. پیشتر روشن گردید که توقع افراد در مراجعه به واسطه‌های ازدواج همیشه یک توقع حداقلی نیست. به این معنا که فرد واسطه‌گر تنها عرض حاجت یک آقا یا خانم را در مسئلهٔ ازدواج به طرف مقابل انعکاس دهد؛ مانند کاری که یک کاغذ نامه یا پیامک تلفنی انجام

اللَّامُ وَ يُنْفَرُ عَنكَ الْكِرَامُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۲)؛ از به زبان آوردن سخنان زشت بر حذر باش؛ زیرا فرومایگان را گرد تو جمع می‌کند و گرانمایگان را از تو فراری می‌دهد.

از آنجاکه خوش‌رویی و خوش‌گویی افراد قطعاً در پیشبرد اهداف و موفقیت آنان نقش مهمی را ایفا می‌کند، باید وساطت در ازدواج را بر عهدهٔ افرادی گذاشت که در تعاملات اجتماعی، به‌ویژه ارتباطات کلامی موفق‌تر عمل می‌کنند؛ واسطه‌گران باید افرادی باشند که از ابزار زبان و شیوه‌های برخورد بهترین استفاده را برای تحقق زوجیت بکنند. امیرمؤمنان علیؑ فرمودند: «عَوْدٌ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدَلُ السَّلَامِ يَكْثُرُ مُجِبُّوْكَ وَ يَقِلُّ مُبْغِضُوْكَ» (همان، ص ۴۵۷)؛ زبان خود را به نرم‌گویی و سلام کردن عادت ده تا دوستانت زیاد و دشمنانت کم شوند.

۹-۱. داشتن منزلت اجتماعی

شأن و منزلت اجتماعی، یکی از ویژگی‌های ضروری و کارآمد در فرد واسطه‌گر است که با کسب اعتماد عمومی و جلب اطمینان مردمی در پذیرفتن این مسئولیت خانوادگی - اجتماعی ارتباط مستقیم دارد؛ چراکه لازمهٔ وساطت در ازدواج و تشخیص کفویت زوج برای معرفی به یکدیگر، ورود در زندگی شخصی داوطلبان ازدواج برای کسب اطلاع از کیفیت زندگی شخصی - خانوادگی، ویژگی‌ها و علائق آنهاست و این اطلاع حاصل نمی‌شود، مگر با اطمینان و اعتماد به فرد واسطه‌گر که از عوامل مهم ایجاد آن، داشتن پایگاه اجتماعی است.

با وجود چنین ویژگی در واسطه‌گران، درواقع ظرفیتی برای خدمت‌رسانی بهتر آنان به خانواده‌ها فراهم آمده است؛ امام صادق ﷺ مقام و منزلت را وسیله‌ای برای کمک‌رسانی عمومی معرفی فرمودند: «زمانی فرا رسد که اگر کسی دست سؤال به سوی مردم دراز کند زنده بماند و اگر خاموش ماند، بمیرد. عرض کردم: اگر چنان روزگاری را درک کردم چه کنم؟ فرمود: مردم را با مال خود یاری رسان و اگر چیزی نداشتی، با استفاده از مقام و موقعیت خود کمکشان کن» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۲۵).

از طرفی خلأ این شأن اجتماعی در واسطه‌های ازدواج موجب پایین آمدن سطح کیفی کار ایشان در امر وساطت می‌گردد تا جایی که از واسطه‌گری، با همهٔ کارایی‌های مهمش یک معرف ساده ساخته و از بین همهٔ مسئولیت‌های خطیر وساطت، تنها به دادن اسم و آدرس زوج به یکدیگر برای معرفی اکتفا می‌شود؛ اینجاست که نقش وساطت در ازدواج چیزی شبیه به نقش وسایط ارتباط جمعی مانند تلفن و اینترنت،

از آن یعنی منحرف شدن از مسیر اصیل ازدواج‌های ساده و شیرین اسلامی و گرفتار آمدن در دام ملاک‌های غیرمنطقی و تلخی که گاه رهاورد سبک زندگی غربی و شرقی است.

۲-۳. برخی اطلاعات عمومی در علم روان‌شناسی

از جمله دانش‌های ضروری دیگری که به واسطه‌گران در ازدواج کمک شایانی می‌کند برخی از اطلاعات عمومی علم روان‌شناسی است. مخصوصاً بخش‌هایی مانند «روان‌شناسی خانواده» که به حل مسائل و مشکلات ارتباطی همسران می‌پردازد یا «روان‌شناسی شخصیت» که به تعریف ویژگی‌ها و صفات انسان پرداخته و عوامل پیدایش و پنهان رفتارهای بهنجار و ناهنجار را تعیین می‌کند. آگاهی واسطه‌های ازدواج از این دست مطالب، در کشف شخصیت داوطلبان ازدواج، پیدا کردن کفو مناسب برای معرفی به یکدیگر و نیز ارائه راه‌حل‌های آبی و راهگشا، بسیار مؤثر و مفید است. البته نباید این نکته مغفول بماند که نیاز واسطه‌ها به این نوع از دانش‌ها، ناظر به برخی بخش‌های کاربردی روان‌شناسی است نه مباحث علمی - پژوهشی. به همین جهت در مواجهه با افرادی که به دلایل ویژه روانی، پنهان‌کاری شخصیتی دارند و یا دچار مشکلات حاد روانی - ارتباطی اند، ارجاع به متخصصان روان‌شناس از وظایف الزامی هر واسطه‌گری است.

۲-۴. آگاهی از آداب مشاوره

بی‌شک توقع مشاوره در مسائل ازدواج، از افرادی که نقش واسطه‌گری را به عهده دارند بی‌مورد نمی‌باشد؛ بلکه می‌توان مشاوره را یکی از شئون وساطت در ازدواج دانست. قدرت مشاوره به عنوان یک مهارت عملی از نیازمندی‌های شخص واسطه‌گر است؛ چراکه واسطه‌ها به دلیل ارتباط با هر دو حلقه ازدواج - مرد و زن - و به عنوان عامل آشناکننده طرفین به یکدیگر، خواه ناخواه در معرض استشاره قرار خواهند گرفت. مهم‌تر اینکه ارائه مشاوره در وساطت همیشه واکنشی به حرکت‌های مطالبه‌ای مراجعین نیست؛ بلکه بسیار اتفاق می‌افتد که واسطه‌گر از سر احساس تکلیف و تحت تأثیر یک بینش جدید نسبت به طرفین ازدواج و نیز برای ادای حق امانت‌داری در وساطت، ابتدائاً وارد گود مشورت‌دهی شود، بی‌آنکه از او در این جهت درخواستی شده باشد. اینها و نمونه‌های دیگری از این دست ضرورت‌آشنایی واسطه‌گران با فن مشاوره و آداب و ارکان آن را ایجاد می‌کند. در این مورد نیز مانند موارد پیشین، توجه به این مطلب الزامی است که مقصود ما تخصص در تمامی دامنه‌های

می‌دهد؛ بلکه غالباً انتظاری که از نظام وساطت و شخص واسطه‌گر می‌رود در یک سطح حداکثری رقم می‌خورد. وساطت در این نگاه به معنای «فرایند کشف و وصل پایدار» است. کشف پیش‌دستانه گزینه‌های مستعد برای ازدواج و تلاش برای رفع موانع موجود در مسیر وصل پایدار آنها به یکدیگر. لذا تقریباً هر کاری که لازمه تحقق یک ازدواج مطلوب است و از عهده واسطه‌ها برآید را شامل می‌شود. با این تعریف و از این منظر، فردی باید امر وساطت را متکفل گردد که از مجموعه توانمندی‌های لازم برای موفقیت در آن برخوردار باشد.

قبل از برشمردن انواع این توانمندی‌ها باید این نکته را در نظر داشت که منظور ما از برخورداری واسطه‌گران از این بهره‌های علمی، داشتن تخصص در هریک از این موارد نیست؛ بلکه مقصود آمادگی و اطلاعی است که که راهگشای عملیات وساطت باشد. نابلدی و خالی‌الذهن بودن از علوم و اطلاعات ضروری، می‌تواند خود تهدیدی برای حرکت‌های واسطه‌گرانه باشد که نتایج ناخوشایندی را به همراه دارد.

۲-۱. فقه وساطت و ازدواج

بخشی از آگاهی‌های لازم و ضروری مربوط به احکام شرعی است که محل ابتلاء واسطه‌گران ازدواج می‌باشد. این اطلاعات حیطة گسترده‌ای از حدود الهی را به خود اختصاص می‌دهد، که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. احکام ازدواج و طلاق؛ ۲. شناخت مصادیق وساطت‌های واجب؛ مستحب؛ حرام؛ ۳. احکام محرم و نامحرم؛ ۴. احکام و موارد دروغ مصلحتی؛ ۵. احکام تجسس و تحقیق؛ ۶. احکام امانت و اسرار؛ ۷. احکام تدلیس و فریب؛ ۸. احکام و حدود اطاعت و ولایت والدین؛ ۹. احکام وکالت در وساطت؛ ۱۰. احکام اخذ اجرت در فعالیت‌های وساطتی و... .

۲-۲. شناخت آداب ازدواج؛ ملاک‌ها؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها

یکی دیگر از اطلاعاتی که فرد واسطه‌گر باید در کسب آن اهتمام داشته باشد شناخت آداب و رسوم ازدواج، ملاک‌های درست و غلط آن و نیز راه‌حل برخی چالش‌های معمول در مسیر تحقق ازدواج است. ضرورت این سخن از اطلاعات، مخصوصاً در محله‌ها و خانواده‌هایی با خُرده‌فرهنگ‌های ازدواجی، بسیار بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا گاه ضربه این ندانم‌کاری‌ها قابل جبران نیست. ضمن اینکه اطلاع از مبانی و ساختار فرهنگ ازدواج، در حکم اطلاع از نقشه راه، برای واسطه‌گران است که موجب تسهیل در تحقق اهداف وساطت شده و عدم اطلاع

دانش مشاوره نیست؛ بلکه فقط بهره‌مندی واسطه‌ها از برخی نکات کاربردی و شاه کلیدهای اصلی آن است. بدیهی است در موارد مشاوره‌ای خاص نیز، پرهیز از ورودهای عامیانه و ارجاع به متخصصان این فن از وظایف واسطه‌گران متعهد می‌باشد.

۳. مهارت‌های عملی - تجربی

مقصود ما از «مهارت عملی در امر وساطت» چیزی نظیر کار یک دانشجو در آزمایشگاه‌های تجربی و کارگاه‌های عملی است؛ به این معنا که افراد داوطلب برای وساطت در ازدواج، باید حداقل این تجربه را قبلاً در ارتباط گرفتن با واسطه‌های موفق و الگوبرداری از کیفیت تعامل ایشان کسب کرده باشند. پختگی و باتجربگی برای کسب موفقیت در پذیرش مسئولیت‌های خطیر اجتماعی که با سرنوشت زندگی افراد سروکار دارد، بسیار ضروری و تأثیرگذار است. پیشبرد اهداف در مسئولیت‌های اجتماعی همیشه در کنار دانش‌های لازم، نیازمند آشنایی عملی با فوت و فن کار است. عملیات وساطت هم به دلیل ارتباط دائم و گاه پیچیده با افراد گوناگون از این قاعده مستثنا نیست. سابقه کار در واسطه‌گری به معنای تجربه جریان وساطت نیست؛ بلکه استفاده از محضر افراد ماهر و موفق و بهره‌گیری از تجربیات ایشان در موارد مشابه است.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت به دست می‌آید که لازمه کارآمدی یک واسطه‌گر ازدواج در امر وساطت، داشتن ویژگی‌های خاصی است که از داوطلب شدن هر فردی با هر عنوان و خصوصیتی برای پذیرش این مسئولیت جلوگیری می‌کند. نویسندگان با بررسی سه جلوه اخلاقی، علمی و عملی در شخصیت‌شناسی واسطه‌گران، درصدد تبیین حداقل ملاکات تشخیص واسطه‌گران شایسته برآمده است. براین اساس شخصیت واسطه‌گر ازدواج از نظر صفات روانی و ملکات اخلاقی نیازمند شاخصه‌هایی همچون سلامت و تعادل روانی، حُسن نیت، صداقت، امانتداری، صبوری، دلسوزی و خیرخواهی، مسئولیت‌پذیری، خوش‌رویی و خوش‌گویی و منزلت اجتماعی است؛ علاوه بر اینها، دانستن برخی دانش‌های کارآمد مانند: فقه‌الوساطة، آداب و ملاکات ازدواج و بخشی از اطلاعات روان‌شناسی - مشاوره‌ای نیز سطح دیگری از شرایط قبول این مسئولیت اجتماعی شمرده شده که حیثیت علمی - آموزشی شخصیت واسطه‌گر را تبیین می‌کند. در بخش پایانی این پژوهش، تحصیل مهارت‌های عملی موردنیاز از طریق الگوگیری

از واسطه‌گران موفق و کسب حداقل پیشینه کارورزی در کنار ایشان را، ویژگی‌ای دیگر برای بالابردن سطح کیفیت عملکرد واسطه‌گران معرفی می‌کند. این همه، حداقل ویژگی‌هایی است که یک واسطه‌گر ازدواج برای انجام هرچه بهتر رسالت خود، به عنوان سرمایه‌های اخلاقی و امتیازات شخصیتی نیازمند آن است.

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- ابن شعبه حرانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- اصولی، احسان و محمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵، *رساله توضیح المسائل مراجع*، قم، جامعه مدرسین.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *عمر الحکم و درر الکلم*، قم، بوستان کتاب.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الامالی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
- _____، ۱۴۱۶ق، *علل الشرایع*، قم، مؤسسه دارالحجۃ للثقافة.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۲ق، *مکارم الاخلاق*، تصحیح محمدحسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عریضی، علی بن جعفر، ۱۳۶۸، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، مشهد، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۰۵ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۴۱۶ق، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۳۲۹ق، *صحیح مسلم*، تصحیح اسماعیل بن احمد طرابلسی، بیروت، دارالطباعه العامه.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۸، *جامع السعادات*، ترجمه کریم فیضی، چ دوم، قم، قائم آل محمد.
- ورام بن ابی‌فراس، ابوالحسین بن، ۱۳۶۹، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر*، ترجمه محمد رضا عطایی، قم، مکتبه الفیه.